



دکتر علی رحمانی، رئیس هیات مدیره انجمن حسابرسان داخلی ایران

# هیچ اطلاعی از کارکرد حسابرسی داخلی در ایران نداریم

**چندین** دکتر علی رحمانی، نخستین مدیرعامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران پس از تصویب قانون جدید بازار در سال ۸۴، پس از آنکه سکان هدایت این شرکت را به مدیرعامل جدید سپرد، فعالیت های گسترده ای را در عرصه حسابرسی داخلی در ایران آغاز کرده است. وی که هم اکنون رئیس هیات مدیره «انجمن حسابرسان داخلی ایران» است، معتقد است: «ما اطلاعات دقیقی از جایگاه کارکرد و گستردگی استفاده از حسابرسی داخلی در ایران نداریم.» ماهنامه بورس در گفت و گویی با وی، حسابرسی داخلی و چالش های این حرفه را در کشور مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. ادامه این گفت و گورا با هم می خوانیم:



مهدیه انوشه

**چندین** در بخشی از فلسفه وجودی حسابرسی داخلی به موضوع ارزش افزایی مطرح می شود، چگونه حسابرسی داخلی می تواند برای سازمان ها ارزش افزوده ایجاد کند؟

طبق گزارش انجمن حسابرسان داخلی بین المللی در سال ۲۰۱۰ میلادی، گزاره ارزش حسابرسی داخلی مبتنی بر سه عنصر محوری اطمینان بخشی (Assurance)، بینش یا بصیرت (Insight) و بی طرفی (Objectivity) است که حسابرسی داخلی به سازمان ها ارائه می کند. براساس تعاریف ارائه شده از سوی این انجمن، اطمینان بخشی به سه

**چندین** ارزیابی ریسک از جمله کارکردهای اصلی استقرار حسابرسی داخلی در شرکت ها به شمار می رود. در حال حاضر نحوه عملکرد حسابرسان داخلی در ارزیابی ریسک چگونه است؟

ما اطلاعات دقیقی از نحوه عمل حسابرسان داخلی در ایران نداریم، ولی اطمینان داریم که آخرین فناوری های ارزیابی ریسک در ایران هم در دسترس حسابرسان داخلی است. به نظر می رسد تعداد کمی از حسابرسان داخلی درگیر ارزیابی مدیریت ریسک باشند و بعضا هم از چارچوب COSO استفاده می شود.

**چندین**

دی ماه ۱۳۹۲ • شماره ۱۰۷

نتایج مثبت این عملکرد محروم هستند.

**بوداس** فرض کنیم در یک افق کوتاه مدت ۵ ساله، فرایند استقرار و جایگاه یابی کمیته حسابرسی در شرکت های بورسی به نتیجه مطلوبی برسد. بعد از گذر از گام اول، عمده ترین چالش هایی که کار حسابرسان داخلی را تحت تاثیر قرار می دهد، شامل چه مواردی است؟

ما اطلاعات دقیقی از جایگاه، کارکرد و گستردگی استفاده از حسابرسی داخلی در ایران نداریم. امیدوارم در آینده نزدیک بتوانیم پژوهشی در خصوص مرجع عمومی دانش حسابرسی داخلی (CBOK) در ایران انجام دهیم. شاید تاکنون سازمان ها احساس نیاز به چنین فعالیتی نداشتند و شاید هم شناخت کافی از کارکرد حسابرسی داخلی وجود نداشته است. البته سطح قابلیت و بلوغ فعالیت حسابرسی داخلی در هر سازمان بستگی به بزرگی و پیچیدگی آن سازمان دارد، از طرفی اندازه و گستردگی فعالیت بسیاری از شرکت های ایرانی به گونه ای است که نیاز آنها با نظام های کنترلی معمول و ساده نیر مرتفع می شود. هم چنین توجه به ساختار مالکیتی نیز نباید دست کم گرفته شود. در یک شرکت خانوادگی یا مدیر-مالکی نیازی به حسابرسی داخلی وجود ندارد و این گونه فعالیت ها فقط هزینه، تلفی می شود. چالش اصلی، انتقال گزاره ارزش حسابرسی داخلی به ذی نفعان اصلی حسابرسی داخلی و کسب حمایت و پشتیبانی آنهاست. چالش دیگر، ضعف دانش فنی حسابرسی داخلی در ایران و فقدان تجربه و تسلط کافی در این حوزه و به شکل مدرن آن است که می تواند بر مقبولیت و اعتبار حرفه، تاثیر گذارد. سومین چالش از ناحیه الزامی شدن حسابرسی داخلی است که ممکن است در مواردی منجر به ظاهر گرایی در ایجاد حسابرسی داخلی در سازمان ها بدون تخصیص منابع کافی و از جمله افراد واجد شرایط شود. چالش چهارم، ویژگی های فنی و شخصیتی حسابرسان داخلی است که فقدان این ویژگی ها و ناتوانی در برقرار ارتباطات استراتژیک با مدیران ارشد سازمان ممکن است تصویر یک مچ گیر از آنان ترسیم کند و البته متأسفانه بعضی نیز این گونه عمل کرده اند.

**بوداس** انجمن بین المللی حسابرسان داخلی اقدام به تدوین استانداردها و دستورالعمل های لازم برای انجام حسابرسی داخلی کرده است. با توجه به جدید بودن این موضوع در بورس ایران از یک سو و نبود هیچ گونه استاندارد مدون در این زمینه، تا چه حد می توان از استانداردهای تدوینی این نهاد بین المللی برای بورس ایران نیز استفاده کرد؟

ما معتقد به استفاده از استانداردها و رهنمودها و توصیه های انستیتیوی حسابرسان داخلی به عنوان یک نهاد بین المللی هستیم. دانش فنی و فناوری حسابرسی داخلی یک بعد جهان شمول دارد و ما هم باید از نتایج زحمات و دستاوردهای جامعه جهانی حسابرسی داخلی استفاده کنیم. به شخصه نیازی به تدوین استانداردهای دیگری برای ایران نمی بینم و نگران دستکاری ناقص استانداردهای بین المللی هستیم.

**بوداس** پس شما معتقدید که استانداردهای بین المللی آن قدر جامع و مانع هستند که حتی نباید برای اقتصاد ایران بومی سازی شوند؟

واقعیت این است که فناوری کنترل داخلی که در دنیا وجود دارد، نتیجه میلیون ها دلار سرمایه گذاری است که به رایگان در اختیار ما قرار گرفته است. این چارچوبی است که برای ایران هم کاربرد دارد. نباید وقت و هزینه ای برای تدوین چارچوب جدید یا بومی کردن آن کرد و این وقت و انرژی باید صرف آموزش آن، و تدوین بهترین تجارب (Best Practice) شود.

زیرمقوله راهبری، ریسک و کنترل دسته بندی می شود. در واقع، حسابرسی داخلی در خصوص راهبری سازمان، مدیریت ریسک و فرایندهای کنترلی که به دستیابی به اهداف راهبردی، عملیاتی، مالی و رعایت (تطبیق) کمک می کنند، خدمات اطمینان بخشی فراهم می کند. در تشریح ارزش بعدی که ببینش یا بصیرت است حسابرسی داخلی به صورت یک کنش یار برای بهبود اثر بخشی و کارایی از طریق ارائه بینش و پیشنهادات بر مبنای تجزیه و تحلیل و ارزیابی داده ها و فرایندهای کسب و کار است. برای تبیین ارزش سوم که بی طرفی است با سه سرفصل درستی، پاسخگویی، و استقلال روبرو می شویم. بدین صورت که حسابرسی داخلی با تعهد به درستی و پاسخگویی، حسابرسی داخلی برای مراجع راهبری سازمان و مدیریت ارشد به عنوان یک منبع بی طرف رایزنی مستقل، ارزش ایجاد می کند.

**بوداس** برای ایجاد مقوله اطمینان بخشی به نظر شما تشکیل واحد حسابرسی داخلی در درون واحد تجاری مناسب تر است یا برون سپاری خدمات حسابرسی داخلی؟

طبق مدل قابلیت حسابرسی داخلی که به تازگی در کنگره انجمن حسابرسان داخلی ارائه کردم عوامل متعددی کارکرد یا فعالیت حسابرسی داخلی را متاثر می کند و این مدل مسیری را برای دستیابی به سطح بالاتری از عملکرد ترسیم می کند. مدیران ارشد حسابرسی داخلی می توانند از این مدل برای استقرار و ساختن واحد حسابرسی داخلی پیشرفت واحد، ترسیم آنچه برای کمیته حسابرسی و مدیریت از واحد حسابرسی داخلی باید مورد انتظار باشد و نیز تدوین گام هایی که برای رشد و بهبود قابلیت ها نیاز است، مورد بهره برداری قرار می گیرد. هنگامی که اندازه یا پیچیدگی سازمان یا ریسک های مرتبط با عملیات سازمان افزایش می یابد، نیاز به قابلیت های حسابرسی داخلی پیشرفته تری احساس می شود. مدل تلاش می کند تا ماهیت و پیچیدگی یک سازمان را با قابلیت های حسابرسی داخلی مورد نیاز برای پشتیبانی از سازمان مطابقت دهد. به عبارت دیگر اگر سازمان درجه بزرگتری از خبرگی و پیشرفتگی در رویه های عملی حسابرسی داخلی ایجاد کند، فعالیت حسابرسی داخلی معمولاً در یک سطح قابلیت بالاتر خواهد بود. سطح قابلیت حسابرسی داخلی اغلب بسته به ساختار راهبری سازمانی است که در آن قرار گرفته است. بر این اساس پس از تعیین سطح حسابرسی داخلی مورد نیاز درون سپاری، هم سپاری یا برون سپاری آن یک مسئله مدیریتی است. البته در برخی حوزه ها مثل بانکداری کمیته بال در این مورد رهنمودهایی دارد و جالب است که تاکید می کند حتی با برون سپاری حسابرسی داخلی، مسئولیت همچنان با مدیریت است.

**بوداس** براساس دستورالعمل کنترل های داخلی سازمان بورس مصوب اردیبهشت ماه سال ۹۱، ناشران بورسی باید کمیته حسابرسی داخلی خود را تحت نظر هیات مدیره ایجاد کنند. هر چند عمر این دستورالعمل کوتاه است و در وهله نخست تمرکز اصلی بر استقرار و راه اندازی حسابرسی داخلی در شرکت هاست، ارزیابی شما از اقدامات صورت گرفته چگونه است؟

کمیته ها در آغاز کار درگیر تنظیم مسئولیت های اولیه از جمله نظارت بر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تخصیص منابع کافی به آن هستند. برخی کمیته ها به نیز به عنوان بازوی هیات مدیره، پروژه ارزیابی کنترل های داخلی را به کمک حسابرسان داخلی یا از طریق برون سپاری آغاز کرده اند. هر چند هنوز تا ایده آل فاصله زیادی داریم، ولی اقدامات اولیه تقریباً خوب برداشته می شود. البته در برخی شرکت ها هم فقط ظاهر گرایی است و متأسفانه از